

طومارهای بحرالْمیت: تاریخچه و منتخبی از نظریات

فاطمه هشرودی*

اشاره

طومارهای بحرالْمیت به مجموعه مدارک دست‌نویسی اطلاق می‌شود که بین سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۶ بعد از گذشت دو هزار سال از زیر تلی از خاک در یازده غار در طول ساحل شمال غربی بحرالْمیت کشف شدند. این طومارها از مسیحیت اولیه‌ای سخن می‌گویند که از اواسط قرن اول میلادی در اطراف اورشلیم در حال شکل‌گیری بود. این مدارک نشان می‌دهند که پیروان مسیحیت اولیه در کنار اعتقاد به عیسی، خود را ملزم به رعایت قانون تورات نیز می‌دانستند؛ از این رو این طومارها در زمره مدارک مستندی محسوب می‌شوند که دانشمندان را قادر ساخته است نظرات جدیدی درباره خاستگاه مسیحیت ارائه کنند. این مقاله در ابتدا به معرفی طومارها و محتویات آنها پرداخته است. به علت اهمیت این طومارها، از زمان کشف آنها تحقیقات بسیاری بر روی آنها انجام شده است و نظریات گوناگونی درباره اصالت و همچنین محتویات آنها ابراز شده است. از بین فهرست‌های مختلفی که از فرایند کشف و مباحث پیرامون طومارها تهیه شده است، فهرست دکتر مالن اسمیت یکی از جامع‌ترین آنهاست که در این مقاله به تفصیل به اطلاع خوانندگان رسیده است.

کلیدواژه‌ها: طومارهای بحرالْمیت، مسیحیت اولیه، اسنی‌ها، معلم رستگاری

مقدمه

طومارهای بحرالْمیت به مجموعه مدارک دست‌نویسی (۹۰۰ نسخه خطی) اطلاق می‌شود که بین سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۶، بعد از گذشت دو هزار سال از زیر تلی از خاک در یازده غار در طول ساحل شمال‌غربی بحرالْمیت به‌ویژه در مناطق قمران (Qumran)، مربعات (Morabbaat)، خربت میرد (Khirbat Mird)، عین قدی (En-Gedi) و مسده (Masada) کشف شدند. وادی قمران در ۲۱ کیلومتری شرق اورشلیم قرار دارد (Licht & Bruce, 1971: 5/1396).

این طومارها شامل نسخ خطی قدیمی یهودی به زبان‌های عبری، آرامی و یونانی هستند و دریافت دانشمندان از انجیل، یهودیت زمان عیسی و طلوع مسیحیت را دگرگون و متحول ساخته‌اند. محققان شباهت‌هایی بین باورهای ساکنان قمران و مسیحیت اولیه پیدا کرده‌اند؛ از این رو بسیاری از محققان بر این باورند که هم تعالیم کلیسای اولیه و هم نوشته‌های قمران از یک خاستگاه «مشترک» در بطن یهودیت تغذیه شده‌اند. ظاهراً مدارک قمران فرقه‌اسنی‌ها را کالبد کلیسای اولیه و یا به عبارتی دیگر کلیسای اولیه را نوزاد فرقه‌اسنی‌ها معرفی می‌کنند. این مدارک همچنین میزان تأثیر فرقه قمران بر مسیحیت را تعیین کرده، از رهبر این فرقه با عنوان معلم پرهیزگاری سخن می‌گویند و ما را با امیدها و آرزوهای او و پیروانش آشنا می‌کنند. طومارهای مکشوف در بحرالْمیت نه تنها چراغی برای فهم بهتر عهد جدید هستند؛ بلکه دانشمندان را هدایت می‌کنند تا دورنمای یهودیت را فقط در آثار رتبی‌ها و سنت‌های فریسی جست‌وجو نکرده، آن را در مدارک، باورها و اعتقادات فرقه قمران نیز جست‌وجو کنند. (Black, 1969: 97-99; Rowley, 1964: 30-32)

این طومارها از مسیحیت اولیه‌ای سخن می‌گویند که در اواسط قرن اول میلادی در اطراف اورشلیم در حال شکل‌گیری بود. این مدارک نشان می‌دهند که پیروان مسیحیت اولیه در کنار اعتقاد به عیسی، در عمل به احکام سبت کوشا بودند و خود را ملزم به رعایت قانون تورات می‌دانستند. در این مدارک به عبادات متمایز و خاصی که سبب افتراق اصولی آنان از یهودیت شود، اشاره‌ای نشده است؛ از این رو کلیسای کاتولیک سال‌ها از انتشار گسترده طومارها اجتناب می‌کرد. در سال ۱۹۹۱ دو خبرنگار به نام‌های مایکل بیجنت و ریچارد لیک (Michael Baigent and Richard Leigh) مقاله‌ای با عنوان «نیرنگ

طومارهای بحرالْمیت» (The Dead Sea Scrolls Deception) منتشر کردند که موجب برانگیختن احساسات مردم شد. آنان مدعی بودند تأخیر در انتشار مدارک غار شماره ۴ و محدودیت دسترسی به طومارها تا قبل از سال ۱۹۹۱، نتیجه دخالت‌های کلیسای کاتولیک بوده است. آنان دلایلی اقامه کردند که ثابت می‌کرد کلیه تحقیقات و مطالعات بر روی طومارها تحت نظارت واتیکان در رم صورت گرفته و کلیسا هر گونه مطالعه بر روی طومارها را تحت کنترل داشته است تا به ایمان و اعتقاد مسیحی لطمه‌ای وارد نگردد.

داستان کشف طومارها با چوپان بیابانگردی به نام محمد احمد الحامد، با نام مستعار محمد گرگی، گره می‌خورد. او اولین کسی است که به راز غارها پی برد. وی روزی در جست‌وجوی بره گمشده‌اش، سنگی به داخل گودالی پرتاب کرد، صدای برخورد سنگ به چیزی کنجاوی وی را تحریک کرد. او به داخل غار رفت و در آنجا کوزه‌هایی قدیمی پیدا کرد که طومارهایی در آنها جاسازی شده بودند. وی طومارها را به نزدیک‌ترین شهر، یعنی بیت‌لحم، نزد یک دلال عتیقه به نام خلیل اسکندر شاهین برد و آنها را به او فروخت. از آنجا که دلال عتیقه درباره قدمت و ارزش طومارها تردید داشت، آنها را به آتاناسیوس سموئیل (Athanasius Samuel)، اسقف مسیحیان جامعه سریانی در اورشلیم، نشان داد - Moore Cross, 1958: 1- (Sommer, 1952: 9-11; Schiffman, 2005: 249).
3. آتاناسیوس تصمیم به خریداری طومارها گرفت. آن طومارها شامل نسخه تقریباً کاملی از اشعیا، نوعی از کتاب قانون دینی که ناشناخته بود، تفسیر متفاوتی از حقوق و نسخه‌هایی از سفر پیدایش که بسیار بد نگهداری شده بودند، می‌شد (Campebell, 1998: 3). او نیز برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر و دقیق‌تر طومارها را در اختیار شرق‌شناسان دانشگاه آمریکایی اورشلیم قرار داد. در این دانشگاه، دکتر ترور (John C. Trever) از آن طومارها عکس‌برداری کرد و گروهی تحقیقی برای بررسی و مطالعه بر روی آنها تشکیل داد. بدین ترتیب مطالعات بر روی طومارها توسط تعدادی از دانشمندان آغاز شد.

طومارها در یازده غار و در طول نه سال از ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۶ کشف شدند. شماره‌گذاری غارها بر اساس کشف گنجینه نسخ خطی در غارها صورت گرفته است. غارهای ۳، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰ توسط باستان‌شناسان و پنج غار دیگر توسط قبیله بدوی

تعامر کشف شدند. احتمالاً طومارها در یک زمان در یازده غار قرار نگرفته‌اند. طومارهایی که در غار ۱ پیدا شدند، به دقت در کوزه‌هایی استوانه‌ای قرار داده شده بودند؛ در حالی که ظاهراً طومارهای سایر غارها، به‌ویژه غار شماره ۴ که بیشترین طومارها در آن کشف شده است، با عجله جاسازی شده بودند.

طومارها آشکارا نمایانگر کتابخانه‌ای قابل ملاحظه‌اند که در طول چندین نسل نسخه‌برداری شده‌اند. تاریخ تخمین زده شده برای طومارها، هر چه که باشد، بیانگر این حقیقت است که آنها چندین قرن قدمت دارند (Licht & Bruce, 1971: 5/1397-98). آنها حاوی دعاها، اشعار و سرودهایی هستند که تا پیش از این ناشناخته بودند: سرودها و دعا‌های کوتاه صبح و شب در ایام گوناگون و دعا‌های اعمال روز سبت که بسیاری از آنها با سپاسگزاری از خداوند شروع می‌شوند، اشعاری برای بیرون راندن شیاطین از مراسم سالانه دعا، نماز تابوت عهد، دعا‌های شکرگزاری و مراسم آئینی تشریف و ایام خاص دیگر، دعا به مناسبت جنگ آخرالزمان و طلب بخشش به هنگام ظهور پادشاه آخرالزمان و اشعار ادبی دیگری که هر کدام قابل بحث و بررسی هستند (Collin, 1997:29-30).

بیشتر طومارها بر روی کاغذهای پوستی و برخی بر روی پایروس از سمت چپ بدون نقطه‌گذاری نوشته شده‌اند. جوهر استفاده‌شده در تمام طومارها کربنی است، اما جوهری که برای طومار سفر پیدایش استفاده شده از فلز گرفته شده است که سبب شده این طومار شرایط مناسبی نداشته باشد؛ زیرا جوهر کاغذ پوستی را خورده و به درون آن نفوذ کرده است. در برخی از طومارها لایه‌ای از قارچ و پوسیدگی روی نوشته را پوشانده و باعث شده است طومار فقط در نور مادون قرمز قابل خواندن باشد. طومارهای چندی در پارچه کتانی پیچیده شده بودند که بقایای آن پارچه‌ها کشف شده‌اند. این طومارها در کوزه‌هایی قرار داده شده بودند که حداقل دو تای آنها کاملاً سالم مانده‌اند (Licht & Bruce, 1971: 5/1404-6).

در میان نسخ خطی یافت‌شده در غارهای قمران، بیش از صد نسخه کتاب مقدس عبری مورد شناسایی قرار گرفته‌اند که تنها بخش‌هایی از آنها سالم مانده‌اند. همه کتاب‌ها به استثنای استر (که نمی‌توان به نحو قطعی، اظهار نمود که فقدان آن تصادفی بوده، یا دارای مفهوم خاصی است) شناسایی شده‌اند. غیر از نسخ خطی عبری، نسخ خطی دیگری به زبان یونانی نیز کشف شده‌اند. مهم‌ترین نسخه هفتادگی یافت‌شده در

منطقه بحرالْمیت در نحل هور (Nahl Hever) کشف شده است که نسخه‌ای متشکل از تکه‌های کوچک ناپیوسته از ترجمه یونانی دوازده پیامبر کوچک است و متن آن با کتابی که ژوستین شهید (تقریباً ۱۵۰ میلادی) مورد استفاده قرار داده است همانند انگاشته می‌شود (Licht & Bruce, 1971: 5/140). برخی از نسخه‌های کشف‌شده ویژگی سوداپوکریفا دارند که تا پیش از کشف این طومارها ناشناخته بودند؛ مانند گفته‌های موسی، مکاشفه عمران، زبور یوشع نبی، بخش‌هایی از ادعیه دانیال و آثار مربوط به دعای نبودینوس (Nabonidus) و کتاب اسرار (Graystone, 1956:5-9).

در کل، طومارهایی که در غارهای قمران کشف شدند انواع مختلفی از متون نوشتاری را منعکس می‌کنند؛ مثلاً متون به دست‌آمده از غارهایی که در محدوده تصرفات دوران شورش بارکوخبا واقع شده بودند، از نوع پیش‌مأثوری (Proto Masoretic) هستند و یا برخی از متن‌ها بیانگر گونه‌ای ترکیبی‌اند؛ نسخه خطی سفر اعداد از غار ۴ دارای خطی بین خط سامری و نوع خط ترجمه هفتادی است و متن آن با ارزش‌تر از ترجمه هفتادی و مأثوری محسوب می‌گردد (Licht & Bruce, 1971, 5:1400-1). ناگفته نماند که بیشتر طومارها به زبان عبری و تنها بخش‌هایی از آنها به زبان آرامی و یونانی‌اند. علاوه بر بخش یونانی رساله ارمیای نبی از غار ۷، کتاب‌های سفر تثبیه (آنجایی که در ترجمه هفتادی موجودند، اما در کتاب مقدس عبری وجود ندارند) در طومارهای قمران در بخش‌هایی از طوبیت و کتاب جامعه (Bin Sirach) (سه تا به زبان آرامی و یکی به زبان عبری) ارائه شده‌اند. قطعاتی از این اثر نیز در مسنده پیدا شده است. تعدادی از کتاب‌های سوداپوکریفا نیز شناسایی شده‌اند. کتاب جشن‌ها به‌عنوان یک اثر قابل اطمینان و تصدیق‌شده در مدارک دمشق تحت عنوان کتاب تقسیم‌بندی زمان در جشن‌ها و هفته‌ها (*The Book of the Divisions of Times into their Jubilees and Weeks*) در ده نسخه خطی عبری از غارهای ۱ و ۲ و ۴ یافت شده است. این کتاب تا حد زیادی با کتاب حنوخ نبی — که هشت نسخه خطی آرامی مربوط به آن در غارها شناسایی شده‌اند — هماهنگ است (فقدان بخشی از این قسمت به‌ویژه به دلیل مقدمه درخور توجه آن در باب شکل پسر انسان — ظهور کسی که شبیه پسر انسان است — ممکن است تصادفی یا عمدی باشد). همچنین برخی از عهد دوازده پیامبر نیز شناسایی شده‌اند: تکه‌هایی از عهد لاوی از غار شماره ۱ و تکه‌هایی از سه طومار از غار شماره ۴ به زبان آرامی و نیز

متنی شبیه به متون مکشوف در جنیزه (Genizah) در قاهره و همچنین عهد نفتالی (Naphtali) به زبان عبری از غار شماره ۴ تأثیر مسیحیت در متون اصلاح شده این نوشته‌ها به زبان یونانی بسیار مشهود است.

برای نام‌گذاری طومارها از شیوه‌ای استفاده شده که از شماره غار، محل کشف آن و حرف اول عنوان عبری نوشته شده در طومار، تشکیل شده است؛ مانند IQs که بدین ترتیب خوانده می‌شود:

۱ = شماره غار

Q = اول حرف قمران (Qumran) محل کشف طومار

S = حرف اولی که طومار با آن شروع شده است؛ یعنی سیراخ (Licht & Bruce, 1971: 1398).

فهرست خلاصه‌ای از طومارهای کشف شده در غارها به قرار زیر است:

غار ۱: دست‌نوشته‌های کشف شده در این غار هفت عدد بودند که به‌دقت در کوزه‌های استوانه‌ای جاسازی شده بودند. ظاهراً زمان کافی برای مخفی کردن آنها وجود داشته است. طومارهای کشف شده در این غار عبارت‌اند از:

نسخه خطی کامل / شعیا به زبان عبری که تقریباً سالم است.

نسخه خطی ناقص / شعیا که بسیار قدیمی‌تر از نسخه اشعیای شناخته شده است

(برای اطلاع بیشتر رک: (Burrows, 1951: Chapter 2).

پشر (تفسیر) حبقوق (IQpHab) (P = pesher, 'interpretation') که بهترین تفسیر باقی مانده از کتاب حبقوق، هشتمین کتاب از کتاب‌های دوازده پیامبر کوچک، است. این پشر تنها دو فصل از سه فصل کتاب حبقوق را تفسیر کرده است و به فصل سوم نپرداخته است. علت این امر در ویژگی فصل سوم نهفته است؛ زیرا این فصل حاوی اشعار روحانی است و نویسنده تفسیر آن را ضروری ندیده است. در این تفسیر به صورت برجسته از معلم رستگاری و رهبر جامعه صحبت شده است.

سفر پیدایش (IQapGen) ('ap' = apocryphon)؛ این طومار به‌عنوان قدیمی‌ترین اسفار پنج‌گانه مکتوب فلسطینی به زبان آرامی شناخته شده است.

سرودهای شکرگزاری، که شامل سرودها و دعاهایی جهت استفاده فردی و گروهی است و ماهیت عبادی این سرودها بیانگر دیدگاه روحانی فرقه قمران است.

نسخه ناقص طومار بلند/شعار (IQH) (H = bodayot, 'hymns') که حاوی اشعار و سرودهای شکرگزاری از خداوند برای علم و نجاتی است که به جامعه بخشیده است. طومار جنگ (IQM) (M = Milchamab, 'War'). این طومار خبر از وقوع جنگی چهل ساله در آخر زمان می‌دهد که در آن، پسران نور بر ضد پسران تاریکی می‌جنگند و در نهایت خوبی و خیر بر نیروی شر غالب شده، دنیا را فتح می‌کند؛ آنگاه مردم به شادی و ستایش خداوند می‌پردازند و معبد اورشلیم را بازسازی کرده، عبادت خالصانه را دوباره در آنجا احیا می‌کنند. البته ظاهراً آینده‌ای که به تصویر کشیده شده است نمی‌تواند کاملاً با واقعیت هم‌خوانی داشته باشد؛ چراکه بدیهی است آینده‌ای که بعد از چهل سال جنگ و خونریزی توسط سربازها ساخته شود، نمی‌تواند چندان خوشایند باشد، مگر اینکه این چهل سال مبارزه را بیشتر پیکاری معنوی بدانیم تا تسلیحاتی. این طومار به لحاظ اطلاعات مربوط به شیوه جنگ در دوران یونانی-رومی دارای اهمیت است.

قانون جامعه، یا دستورالعمل انضباطی (IQS) (S = serekh, 'Rule') که علاوه بر بیان اهداف اصلی جامعه قمران، نشان می‌دهد این جامعه بر اساس چه قوانینی اداره می‌شده است. باستان‌شناسان بر این عقیده‌اند که این طومارها در اوایل قرن اول قبل از میلاد مسیح نوشته شده‌اند؛ اما بقایای نسخه‌های مکشوف از غار شماره ۴ ثابت می‌کند که بخشی از آن آثار به طور جداگانه در گذشته وجود داشته و مربوط به روزهای اولیه شکل‌گیری فرقه در قرن دوم قبل از میلاد است. این طومار شامل قوانین انضباطی و نیز آیین‌نامه‌ای برای اعضای جدید و دارایی‌های آنان است؛ مانند:

کسی که به همنشین‌اش تهمت بزند، باید از غذای پاک جامعه به مدت یک سال محروم گردد و طلب بخشش و توبه نماید و کسی که به جامعه تهمت بزند باید از جامعه اخراج شود و هرگز باز نگردد.

غار ۲: سی طومار توسط چوپان‌های بدوی در این غار کشف شدند: بن‌سیراخ (Bensirach) و یوبیل (کتاب جامعه / حکمت) به زبان عبری.

غار ۳: برخی از طومارهای بحرالْمیت نوشتارهایی بی‌مفهوم و نامنظم بر روی کاغذهای پایروس هستند. ظاهراً این طومارها از اطراف مربعات یا نحل هور کشف

شده‌اند و سپس توسط فروشندگان طومارها به دیگر مدارک بحرالْمیت اضافه گشته‌اند (A. J. T. Jull and others, 1995: 14). یکی از عجیب‌ترین آنها، طومار مسی است که در غار شماره ۳ کشف شد. این طومار ارتباطی با مسائل دینی ندارد؛ اما حس کنجکاوی باستان‌شناسان را بسیار تحریک کرده است. از آنجا که فلز طومار به سختی آسیب دیده و اکسیده شده بود، آن را برای مرمت نزد پروفیسور رایت بیکر (Wright Baker) در انستیتوی علوم و تکنولوژی منچستر فرستادند. او طومار را در سال ۱۹۵۶ با دقت به نوارهای طولی تقسیم کرد و به اردن بازگرداند.

اولین ترجمه از این طومار توسط میلیک (J.T. Milik) صورت گرفت. الگرو (John Allegro) این طومار را در سال ۱۹۶۰ در کتاب گنج طومار مسی به همراه ترجمه آن چاپ کرد.

طومار از ۶۴ مکان مخفی در سرزمین اسرائیل خبر می‌داد که گنجینه‌هایی از طلا، نقره و اشیای گرانبها در آنجا پنهان شده بود. گنجینه تقریباً شامل ۱۳۰۰ سکه طلا، ۵۶ جام طلا، ۶۰۸ کوزه پر از نقره و ۶۹۰ کوزه طلا و ظروف نقره می‌شد. شاید ارزش این گنج به ۶۵ تن نقره یا ۲۶ تن طلا می‌رسید.

تصور چنین گنجی بسیار حیرت‌انگیز است. پروفیسور میلیک معتقد است که این گنج افسانه‌ای بیش نیست و رقم اغراق‌آمیز آن حکایت از افسانه بودن آن دارد، در حالی که دانشمندان دیگری چون دوپنت سامر (Andre Dupont Sommer) عقیده دارند که این گنج واقعی است و به فرقه‌اسنی‌ها تعلق داشته است. رابین (Chaim Rabin) و الگرو آن را متعلق به معبد اورشلیم می‌دانند. علاوه بر این الگرو، زیلوت‌ها را که در آن زمان قمران را تحت سلطه داشتند، مسئول نگهداری طلا، نقره و طومارها می‌داند. هنوز پاسخی به این سؤال داده نشده است که چرا باید غارت معبد و شهر از قبل پیش‌بینی می‌شد و یا چطور گروه کوچکی همچون اسنی‌ها صاحب چنین دارایی عظیمی بودند. تنها چیزی که شاید بتوان با اطمینان درباره طومار مسی اظهار داشت، دسترسی دانشمندان به مدارک گرانبهایی است که منجر به ارتقای دانش آنان درباره کتابت نسخ قدیمی شد (Vermes, 1965: 250-51; Baigent, 1997: 209-11).

غار ۴: بیشترین تکه‌های طومار یعنی بالغ بر چهل درصد آنها در این غار کشف شدند. متأسفانه چهارصد طومار موجود در این غار در طول قرن‌ها تکه‌تکه شده و به

ده‌ها هزار قطعه تقسیم شده بودند که می‌باید با نهایت صبر و حوصله کنار یکدیگر گذارده می‌شدند. در این غار بخش‌هایی از دو نسخه از ترجمه هفتادی سفر لایوان و سفر اعداد، بخش‌هایی از ترجمه آرامی سفر لایوان، و چهار نسخه خطی از سفر اعداد (که نوشتار آنها چیزی بین سامری و ترجمه هفتادی است) کشف شد.

یکی از مکشوفات بسیار مهم در این غار، مدرک دمشق است. پیش از این در سال ۱۸۹۶، نسخه‌ای دیگر از این مدارک در کنیسه‌ای قدیمی واقع در قاهره کشف شده بود که معمولاً آن را با علامت اختصاری (Cairo and Damascus) CD نشان می‌دهند. امروزه نسخ مهم مدرک دمشق مکشوف از بحرالْمیت نیز با عنوان 4QD در اختیار همگان قرار گرفته است. مدرک دمشق شامل یک سلسه قوانین است که فرقه اسنی را به‌عنوان اسرائیل واقعی شناسایی می‌کند و افراد خارج از این فرقه را در زمره گروه شیاطین و اشرار می‌شمارد. چندین اسم رازآمیز نیز در آن آمده است، مانند: معلم پرهیزگاری، تمسخرکننده و دروغگو. بیشتر دانشمندان بر این باورند که معلم پرهیزکاری بنیان‌گذار جامعه اسنی بوده است و تمسخرکننده و دروغگو اسامی مستعاری هستند برای اشاره به فردی که با پیروی از رأی و نظر خود درصد ناپودی جامعه بوده است.

علی‌رغم تشابهات بسیار میان مدرک دمشق مکشوف از قاهره با مدرک دمشق مکشوف از قمران، تفاوت‌هایی نیز در برخی از جزئیات دیده می‌شود؛ به‌عنوان مثال، طومارهای بحرالْمیت از اسنی‌هایی خبر می‌دهند که در مرکز قمران مستقر بودند و با توجه به تفسیر رادیکالی فرقه از شریف، ازدواج نمی‌کردند، به هیچ وجه با اعضای خارج از فرقه معاشرت نداشتند و از شرکت نمودن در عبادات معبد اورشلیم به‌شدت خودداری می‌کردند؛ در حالی که مدرک دمشق مکشوف از قاهره از اسنی‌هایی سخن می‌گوید که ازدواج می‌کردند، بچه‌دار می‌شدند و حتی با یهودیان خارج از فرقه داد و ستد داشتند و گاه‌گاه به‌طور بسیار محدود در عبادات معبد اورشلیم شرکت می‌کردند.

مدرک مهم دیگری که در این غار کشف شد درباره بعضی از احکام شریعت است. این طومار با عنوان 4QMMT (Miqsat Ma'ase haTorah) مشخص شده و شامل قوانین متعددی درباره آیین طهارت و محاسبات صحیح تقویم است.

غار ۵ و ۶: کمی بعد از کشف غار شماره ۴، این دو غار کشف شدند. طومارهایی که در این غارها کشف شدند، حاوی نسخی از کتاب مقدس حداقل متعلق به ۲۰۰ ق.م

بودند. از آن جمله می‌توان از سفر پیدایش، سفر خروج، سفر لاویان، سفر اعداد، سفر تثنیه، یوشع، اشعار، سموئیل اول و دوم، پادشاهان اول و دوم، اشعیا، ارمیا، حزقیال، دوازده پیامبر کوچک، کتاب جامعه، استر، دانیال، عزرا، تواریخ اول و دوم نام برد.

غار ۷ الی ۱۰: در سال ۱۹۵۷ غارهای ۷ تا ۱۰ کشف شدند؛ اما مدارک بسیاری در آنها پیدا نشد. در غار ۷ یک طومار، در غار ۸ پنج طومار، در غار ۹ یک طومار کشف شد. در غار ۱۰ طوماری کشف نشد؛ ولی ارزش ملی خود را حفظ کرد.

غار ۱۱: بلندترین طومار، معروف به طومار معبد (Temple Scroll) که طول آن به ۸/۱۴۸ متر می‌رسد، در این غار کشف شد. وضعیت طومارهای این غار نسبت به طومارهای کشف‌شده در غارهای دیگر به‌جز غار شماره ۱ بسیار بهتر بود. این دست‌نوشته‌ها شامل مزامیر، ترجمه آرامی کتاب ایوب، بخشی از سفر لاویان که با الفبای سامی باستانی (paleo-Hebrew) نوشته شده است که شبیه الفبای فنیقی و متعلق به ۱۰ ق.م. است (اسرائیلی‌ها از این الفبا تا قرن ۵ ق.م. و رایج شدن الفبای آرامی به‌عنوان الفبای زبان عبری استفاده می‌کردند)، اصل طومار حزقیال، و قسمت‌هایی از مکاشفات اورشلیم جدید (*The Apocalypse of the New Jerusalem*) بود (Licht & Bruce, 5/1401-2; Baigent, 1997: 215-16).

فهرست زمانی عملیات انجام‌شده بر روی طومارها

از بین فهرست‌های مختلفی که از فرایند کشف و مباحث پیرامون طومارها تهیه شده است، فهرست دکتر مالن اسمیث (Dr. Mahlon H. Smith) از دانشگاه روتگرز (Rotgers University) یکی از جامع‌ترین آنهاست که در ادامه به اطلاع خواننده محترم می‌رسد:

۱۹۴۷

▪ پیدا شدن هفت طومار در کوزه‌های داخل غار قمران توسط چوپانی بیابانگرد در ماه فوریه؛

▪ ساکن شدن یهودیان در اورشلیم با کمک انگلیسی‌ها و برانگیخته شدن خشم مسلمانان؛

▪ ارائه چهار طومار توسط چوپانی از قبیله تعمیره (Ta'amirah)، به دلال عتیقه در ماه آوریل؛

طومارهای بحرالمیت: تاریخچه و منتخبی از نظریات / ۱۲۷

- خریداری طومارهای اشعیا، بشر حقوق، اپوکریفای پیدایش و طومار جنگ توسط آتاناسیوس، اسقف کلیسای اورشلیم از دلال عتیقه، به قیمت ۲۵۰ دلار؛
- ارائه دو طومار دیگر به پروفیسور الیزر سوکنیک (Eliezer Sukenik) در دانشگاه عبری توسط فروشنده دیگری به نام فیدی صلاحی (Feidi Salahi) در ماه نوامبر؛
- اعلام تقسیم فلسطین به دو بخش عربی و یهودی در ۲۹ ماه نوامبر؛
- خریداری سه طومار جنگ و طومار دیگر اشعیا و هدایوت (Hodayot) توسط سوکنیک در ماه دسامبر.

۱۹۴۸

- دیدار سوکنیک با اسقف سموئیل و عدم موفقیت وی در خریداری طومارها از وی در ماه ژانویه؛
- نشان دادن طومار اشعیا به جان ترور (John C. Trevor) در مرکز شرق شناسی اورشلیم (ASOR) توسط اسقف سموئیل؛
- تصویربرداری و شناسایی طومار اشعیا توسط ترور و همکارش ویلیام برونلی (William Brownlee) در ماه فوریه؛
- تأیید هویت طومار اشعیا توسط ویلیام آبرایت (William F. Albright)، باستان شناس آمریکایی به عنوان قدیمی ترین نسخه خطی به عبری در ماه مارس؛
- دادن اجازه انتشار طومارها به میلار باروس (Millar Burrows)، رئیس مرکز مطالعات شرق شناسی اورشلیم از سوی اسقف سموئیل؛
- اعلام کشف طومارها توسط باروس در ماه آوریل؛
- رفتن انگلیسی ها از فلسطین و پایه گذاری اسرائیل توسط یهودیان و مقابله با حملات اعراب در ماه می؛
- شرح جزئیات «کشف طومارها» توسط ترور در مجله باستان شناسان شماره ۱۱؛
- انتشار بخشی از طومارها توسط پروفیسور سوکنیک و شناسایی اسنی ها به عنوان نویسندگان طومارها؛
- شروع جست و جو و حفاری توسط هاردینگ (G.L. Harding)، رئیس مرکز باستان شناسی اردن.

۱۹۴۹

- دادن اجازه حفاری از سوی هاردینگ به پدر رولان دوو (Roland Gu'erin de Vaux)، کشیش دومینیکن فرانسوی و رئیس مدرسه الاهیاتی کاتولیک فرانسوی در اورشلیم، جهت جست‌وجو در غار ۱، جایی که هفت طومار اولیه پیدا شده بودند؛
- کشف طومارهای دیگر به‌خصوص نسخه اصلی یوثیل و عهد لاوی در ماه فوریه؛
- آوردن چهار طومار به آمریکا توسط اسقف سموئیل برای فروختن آنها جهت کمک به پناهندگان فلسطینی و اعلام فروش آنها در مجله *باستان‌شناسان* شماره ۱۲.

۱۹۵۰

- انتشار دیدگاه دانشمند فرانسوی آندره دوپونت سامر (Andre Dupont-Sommer) درباره طومارهای بحرالमित، مبنی بر اینکه آنها متعلق به فرقه اسنی‌ها بوده و احتمالاً در قسمتی از خرابه‌های قمران که هنوز تا آن زمان حفاری نشده بودند، نوشته شده‌اند؛
- تاریخ‌شناس شک‌گرا، سولومون سیتلین (Solomon Zeitlin)، در فصلنامه یهودیان ادعای قدمت طومارها را رد کرد و آنها را جعلی خواند؛
- دعوت آلبرایت از سیتلین در یک مجمع عمومی به منظور بحث درباره صحت طومارها بر پایه اسناد و مدارک؛
- انتشار تصاویری از طومار اشعیا توسط ترور و ارائه تفسیری از طومار حبقوق (IQpHab).

۱۹۵۱

- انتشار مدرک IQS به‌عنوان دستورالعمل قوانین توسط باروس و برونلی (Burrows & Brownlee)؛
- فروش کلیه طومارهایی که فروشنده عتیقه از چوپان بدوی گرفته بود به هاردینگ؛
- شروع حفاری در خربت قمران توسط دوو در ماه نوامبر؛
- نمایش طومارهای کشف‌شده در موزه آمریکا.

۱۹۵۲

- کشف سی تکه طومار از غار شماره ۲ توسط یک چوپان بیابانگرد شامل طومار بن‌سیراخ و یوثیل به عبری اصلی در ماه فوریه؛
- عملیات حفاری توسط گروه ASOR در غارها و کشف طومار مسی در ماه مارس؛

طومارهای بحرالمیت: تاریخچه و منتخبی از نظریات / ۱۲۹

- فروش تکه‌های بسیاری از طومارهای غارهای دیگر توسط فروشنده عتیقه به دوو در ماه سپتامبر؛
- تلاش اتحادیه اردن برای کسب سرمایه از دانشگاه‌ها و موزه‌های خارجی جهت خرید طومارهای بیشتر؛
- کشف غار شماره ۴ توسط دوو در ۱۸۰ متر دورتر از خرابه‌های قمران؛
- کشف نسخه‌های مدرک دمشق از غارهای شماره ۵ و ۶.

۱۹۵۳

- گزارش دوو به دانشگاه بریتانیا درباره کشفیات قمران و تأیید نظریات دوپونت سامر مبنی بر اینکه طومارها توسط اسنی‌ها نوشته شده‌اند؛
- گردآوری گروهی متشکل از هشت دانشمند توسط هاردینگ در شرق اورشلیم به منظور بررسی و مطالعه بر روی طومارها تحت سرپرستی دوو: فرانک مور کراس و پاتریک زهان (Frank Moore Cross & Patrick Skehan) از آمریکا، جان الگرو و جان استراگنل (John Allegro & John Strugnell) از انگلستان، دومینیک بارتلمی و ژان استارکی (Dominique Barthelemy & Jean Starcky) از فرانسه، کلاوس هونوهونسیگر (Claus Hunno Hunziger) از آلمان، جوزف میلیک (Josef T. Milik) از لهستان.

۱۹۵۴

- خرید پنهانی چهار طومار از اسقف سموئیل توسط ییگائیل یدین (Yigael Yadin)، پسر سوکنیک در آمریکا به مبلغ ۲۵۰۰۰۰ دلار؛
- بازنگری و تصحیح تکه‌های مدارک صدوقیان توسط چیم رابین (Chaim Rabin) از دانشگاه آکسفورد.

۱۹۵۵

- بازگشت یدین به اسرائیل جهت یکی کردن هفت طومار در ماه فوریه؛
- انتشار مقاله‌ای توسط ادmond ویلسون (Edmund Wilson) منتقد ادبی در مجله نیویورک پیرامون مطالعات دوپونت سامر و ادعای اینکه مسیحیان شخصیت عیسی را از معلم رستگاری برداشت کرده‌اند؛
- انتشار طومارهای کشف شده از غار شماره یک توسط بارتلمی و میلیک؛
- کشف غارهای ۷ تا ۱۰ در جنوب قمران؛

▪ کمک گرفتن الگرو از دوستانش در دانشگاه منچستر انگستان برای بازکردن طومار مسی و ارسال رونوشت‌های بسیار از گنجینهٔ دوو.

۱۹۵۶

▪ اعلام عمومی کشف طومار مسی و فهرست گنجینه‌های گرانبهای آن توسط الگرو؛
 ▪ اعلام افسانه‌بودن گنج طومار مسی توسط دوو و هاردینگ به دانشگاه فرانسه به دلیل عدم هماهنگی آن با اقتصاد اشتراکی فرقه اسنی‌ها؛
 ▪ انتشار مقاله‌ای توسط رابین و اعلام اینکه طومار مسی به وسیله زیلوت‌ها نوشته شده است؛

▪ اعلام کشف طومارها توسط الگرو در BBC و این ادعا که فرقهٔ قمران صاحب مسیحایی بودند که بر صلیب دوخته شده است و مسیحیان ایس داستان را از آنان به امانت گرفته‌اند؛

▪ ارسال نامه توسط دوو، میلک، استارکی، زهان و استراگنل به مجلهٔ تایمز لندن و دعوت از الگرو به مباحثه؛

▪ عقب نشینی الگرو از ادعای خویش و اعلام اینکه اظهاراتش بیشتر مبتنی بر فرضیات بوده است تا مدارک به دست آمده؛

▪ گشوده‌شدن اپوکریفای پیدایش (*Genesis Apocryphon*) در دانشگاه عبری و انتشار آن توسط یدین؛

▪ اتمام تصویربرداری و تکمیل بازسازی تکه‌های طومارها از غار شمارهٔ ۴ توسط گروه دوو؛

▪ فروش هفت طومار توسط چوپان بدوی به دلال عتیقه از غار شمارهٔ ۱۱ و فروش شش تای آن به موزهٔ باستان‌شناسی فلسطین و فروش آنها توسط این موزه به مؤسسات آمریکایی و اروپایی.

۱۹۵۷

▪ اعلام نظریهٔ دانشمند یهودی، سیسیل راث (Cecil Roth) تحت عنوان «حل راز طومارها» مبنی بر اینکه نویسندگان طومارها پیروان مناخیم (Menahem)، رهبر زیلوت‌ها بودند که در اورشلیم توسط دیگر شورشیان در ۶۸ ق.م. کشته شده بود؛

▪ انتشار ترجمهٔ انگلیسی از سیزده نسخهٔ مکشوف از غار شمارهٔ ۱ توسط تئودور

طومارهای بحرالمت: تاریخچه و منتخبی از نظریات / ۱۳۱

گستر (Theodor H. Gaster) از دانشگاه کلمبیا و اعلام اینکه طومارها نشان‌دهنده فضای دینی و فرهنگی زمانی است که یوحنا ی معمدان رسالت خویش را انجام می‌داد و عیسی در آن فضا پرورش یافته است و اینکه عقاید دینی آن فضا بستر بسیار مناسبی برای رشد و نمو عهد جدید بوده است.

۱۹۵۶

▪ ترک گروه تحقیق توسط هونسیگر و تحویل طومارها به موریس بایه (Maurice Baillet) از جانب دوو؛
▪ پایان یافتن حفاری‌های دوو در خربت قمران.

۱۹۵۹

▪ بازگشت الگرو به فلسطین و آغاز تحقیقات خویش برای پیدا کردن گنجینه طومار
مسی بدون موفقیت؛

▪ ارائه مدارک مستند باستان‌شناسی و تاریخی مبتنی بر علم شناسایی خطوط باستانی
توسط دوپونت سامر که نظریه قدیمی خاستگاه طومارها را تأیید می‌نمود (فرقه قمران =
فرقه اسنی‌ها)؛

▪ اعلام نظریه میلیک پس از ده سال مطالعه بر روی کشفیات قمران در بیابان‌های
اردن، مبنی بر اینکه آخرین بازماندگان فرقه اسنی‌ها ویژگی‌های جنگ‌طلبانه زیلوت‌ها
را داشتند؛

▪ انتشار ترجمه طومار مسی توسط میلیک بدون اشاره به استفاده وی از ترجمه
الگرو.

۱۹۶۰

▪ چاپ کتاب الگرو با عنوان گنج طومار مسی با تصاویر غیرمجاز؛
▪ درگذشت دکتر جان راکفلر، رئیس موزه باستان‌شناسی و پایان حمایت‌های مالی از
مطالعه بر روی طومارها؛

▪ اتمام رونویسی از طومارهای غار ۴ در ماه ژوئن؛

▪ انتقال طومارها به مکان امن؛

▪ تقسیم تصاویر ۵۷۴ نسخه در بین دانشمندان؛

▪ به عهده گرفتن مسئولیت تصحیح طومار انجیلی از سوی کراس و زهان؛

▪ تقبل مسئولیت بقیه طومارها از سوی ملیک و استراگنل.

۱۹۶۱

▪ بررسی کتاب الگرو درباره طومار مسی توسط دوو و نادرست و مبهم خواندن آن؛ آگاه‌شدن یدین از اینکه دلال عتیقه هنوز بزرگ‌ترین طومار، کشف‌شده از غار شماره ۱۱، را در دست دارد، اما عدم توافق در خرید آن.

۱۹۶۲

▪ ترجمه جدید انگلیسی از طومارهای بحرالمیت توسط گِزا وِرمز (Geza Vermes) و معرفی قمران به‌عنوان مرکز فرقه اسنی‌ها.

۱۹۶۳

▪ ادعای رینگستورف (K.H. Rengstorf) از دانشگاه مونستر (Münster) مبنی بر اینکه خاستگاه طومارها کتابخانه معبد اورشلیم است؛

▪ آغاز حفاری در مسده توسط یدین و کشف رونوشت‌هایی از بن‌سیراخ به عبری و سرودهای آیین قربانی سبت در کنیسه مسده که توسط زیلوت‌ها بنا شده بود. قبلاً نسخه‌هایی از این نوشته‌ها در غار شماره ۴ قمران کشف شده بود.

۱۹۶۵

▪ انتشار نظریه دانشمند انگلیسی جی. آر. درایور (G.R. Driver) که صحت و درستی تفاسیر دوو و دوپونت را بر پایه مدارک تاریخی و علم شناسایی خطوط باستانی تغییر می‌داد و از نظریه راث حمایت می‌کرد که خاستگاه فرقه اسنی‌ها را زیلوت‌ها متعلق، به یک قرن قبل از میلاد، مسیح می‌دانست؛

▪ به نمایش‌گذاردن طومارهای غار شماره ۱ و مدارک شورش بارکوخبا در موزه اورشلیم.

۱۹۶۶

▪ انتشار «داستان‌های ناگفته از طومارهای بحرالمیت» (The Untold Story of the Dead Sea Scrolls) در مجله هارپرز (Harpers Magazine) توسط الگرو مبنی بر اجتناب عمدی دوو از چاپ طومارها به علت ناسازگاری آنها با تعالیم مسیحیت؛

▪ اعتراض درایور و دیگر دانشمندان گروه عهد قدیم‌شناسی در مجله تایمز لندن بر علیه الگرو؛

طومارهای بحرالْمیت: تاریخچه و منتخبی از نظریات / ۱۳۳

▪ ترغیب دولت اردن به ملی اعلام نمودن موزه باستان‌شناسی فلسطین از جانب الگرو.

۱۹۶۷

▪ عدم همکاری دانشمندانی چون دوو، زهان، استارکی و میلیک با دولت اسرائیل، و در نتیجه متوقف‌شدن انتشار طومارها.

۱۹۷۰

▪ سؤال گولب (Norman Golb) از دانشگاه شیکاگو، از مؤسسه ASOR که اگر همه طومارهای بحرالْمیت به دست فرقه اسنی‌ها نوشته شده است، چرا مجوز بررسی طومارهای منتشرشده صادر نمی‌شود.

۱۹۷۱

▪ درگذشت آلبرایت و دوو.

۱۹۷۲

▪ پیر بنوا (Pierre Benoit) از مدرسه دومینکن‌های فرانسه رهبری گروه تحقیق را به عهده گرفت و قول همکاری با مسئولان اسرائیلی را جهت انتشار طومارها داد؛

▪ انتشار مقاله‌ای توسط جو کالانگان (Jose O. Callaghan) اسپانیایی مبنی بر اینکه طومارهای یونانی به دست آمده از غار شماره ۷ ملحقات کتاب‌های عهد جدید هستند که شامل مرقس ۶: ۵۲-۵۳ تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷: ۱ و یعقوب ۱: ۲۳-۲۴ می‌شود؛

▪ توافق برای انتشار طومارها تحت عنوان اصلاح‌شده «کشفیات در بیابان‌های یهودیه» (Discoveries in the Judean Desert) بدون توجه به قوانین قضایی سیاسی جدید.

۱۹۷۵

▪ انتشار طومار حبقوق قمران بر پایه آیین‌نامه عهد دمشق و قانون جامعه توسط متخصص شریعت یهودی، لاورنس شیفمان (Lawrence Schiffman).

۱۹۷۶

▪ انتشار تکه‌های فراوانی از نسخه عبری کتاب خونخ توسط میلیک و ادعای اینکه به دلیل عدم شباهت متون طومارها به بخش‌هایی از نسخه حبشی معلوم می‌گردد که عبارت «پسر انسان» (Son of Man) در متون حبشی بعدها به متون مسیحیان اضافه شده است.

۱۹۷۷

▪ اختطار و رمز دربارهٔ رسوایی علمی در سی‌امین سالگرد کشف طومارهای بحرال‌میت و درخواست تسریع در روند انتشار طومارها؛
 ▪ اعتراض اخلاقی دیوید نوئل فریدمن (David Noel Freedman)، نویسندهٔ باستان‌شناس، به انحصاری‌بودن مطالعات در یک گروه کوچک و انتشار تفاسیر شخصی آنان.

۱۹۷۹

▪ انتشار کتاب الگرو تحت عنوان طومارهای بحرال‌میت و افسانهٔ مسیحیت (The Dead Sea Scrolls and the Christian Myth) و ادعای اینکه اناجیل دربردارندهٔ داستان‌هایی افسانه‌ای دربارهٔ عیسی، قهرمانی افسانه‌ای، است که بر پایهٔ «معلم رستگاری» ساخته شده‌اند.

۱۹۸۰

▪ درگذشت باروس و زهان؛
 آغاز مطالعات امانوئل تاو و الیشا کیمرون (Emanuel Tov & Elisha Qimron) اولین دانشمندان اسرائیلی‌ای که موفق به بررسی طومارها شدند؛
 ▪ حمایت مالی الزابت بچتل (Elizabeth Bechtel) برای عکسبرداری مجدد از طومارها و تهیه یک مایکروفیلم از آن برای کتابخانهٔ شخصی خودش.

۱۹۸۳

▪ انتشار طومار معبد، کشف شده در غار شمارهٔ ۱۱ توسط یدین؛
 ▪ انتشار طلوع قمران: تورات فرقه‌ای و معلم پرهیزگاری (The Dawn of Qumran: The Sectarian Torah and the Teacher of Righteousness) از سوی بن‌زیون و اچولدر (Ben Zion Wacholder) و اعلام اینکه طومارها توسط مخالفان صدوقیان اورشلیم نوشته شده‌اند؛
 ▪ انتشار کتاب مکابیان، صدوقیان، مسیحیان و فرقه قمران توسط روبرت آیزنمان (Robert Eisenman) که ادعا می‌کرد طومارها را گروه کوچکی از بازماندگان صدوقیان نوشته‌اند و جنبش زیلوت‌ها، یوحنا‌ی معمدان و مسیحیت اولیه از این گروه به وجود آمده‌اند.

۱۹۸۴

▪ دعوت از گولب برای ایراد سخنرانی در موزهٔ راکفلر و بحث دربارهٔ اینکه

طومارهای بحرالْمیت: تاریخچه و متخبی از نظریات / ۱۳۵

عدم وجود نامه‌های دستنویس و مدارک قانونی در طومارهای بحرالْمیت نشان می‌دهد که آنها در قمران تألیف نشده‌اند؛

▪ اعلام خبر کشف نامه «معلم رستگاری به کاهن بدکار» در بین طومارهای غار شماره چهار (4QMMT) توسط استراگنل و کیمرون در خبرگزاری اورشلیم؛
▪ درگذشت یدین و برونلی.

۱۹۸۶

▪ دعوت استراگنل از شیفمان برای روشن کردن دستورالعمل آیینی (Ritual laws) در اعمال شریعت (Acts of Torah) (4QMMT) و ارسال عکس و نسخ خطی برای او؛
▪ انتشار کتاب یعقوب عادل در تفسیر حقوق (James the Just in the Habakkuk Pesher) توسط ایزنمان و این ادعا که معلم رستگاری عنوانی بوده است که به برادر عیسی که مخالف او بوده اطلاق می‌شده است؛

▪ این ادعا که «مرد دروغگو» (The man of the Lie) عنوانی برای اشاره به پولس و «کاهن بدکار» (The Wicked Priest) عنوانی برای اشاره حنان دوم بوده‌اند؛

▪ دانشمند آلمانی، کارستن تید (Carsten Thiede) در مبحث نسخه‌های انجیل اولیه مطرح می‌کند که شناسایی 7Q5 به عنوان انجیل مرقس از سوی کالانگان مستلزم بررسی کامل گمانه‌زنی‌های جدید درباره انشای انجیل است.

۱۹۸۷

▪ درگذشت بنوئیت؛
▪ الزابت بچتل اندکی قبل از مرگش مایکروفیلم شخصی خود از طومارها را به کتابخانه هانتینگتن (Huntington) اعطا می‌کند؛
▪ برگزاری کنفرانس لندن توسط ورمز در چهلمین سالگرد کشف طومارها و درخواست وی برای انتشار فوری کلیه نسخ خطی مکشوفه در قمران بدون هرگونه تفسیر، ترجمه و یا اضافات دیگری.

۱۹۸۸

▪ درگذشت الگرو و استارکی؛
▪ شناسایی دو تکه طومار از غار شماره ۷ توسط دانشمند آلمانی ویلهلم نب (Wilhelm Nebe) به عنوان بخش‌هایی از رساله خونخ به یونانی.

۱۹۸۹

▪ موافقت آکادمی رویال هلند با انتشار دومین نسخه طومار معبد توسط واپچولدر؛
 ▪ ارسال تصاویر طومارها و فهرستی از طومارهای چاپ‌نشده از جانب استراگنل
 برای واپچولدر؛

▪ ۳۵۰۰۰۰ دلار کمک مالی آکسفورد برای تسریع در چاپ طومارها؛
 ▪ درخواست ایزنمان از استراگنل برای دسترسی به تصاویر طومار عهد دمشق در
 غار ۴ و رد درخواست وی؛

▪ درخواست هرشل شنکس (Herschel Shanks) نویسنده کتاب دیدگاه تاریخی انجیل
 (Biblical of Archaeological Review) برای انتشار فهرست زمانی عملیات مطالعه بر روی
 طومارها و فریبکارانه خواندن پاسخ استراگنل؛

▪ انتشار نامه‌نگاری‌های استراگنل و ایزنمان توسط شنکس و بحث و جدل
 میان دانشمندان برای دسترسی به طومارها در روزنامه NY و روزنامه‌های دیگر در
 ماه سپتامبر؛

▪ ارسال تصاویر طومارها به طور غیرقانونی از طرف اسرائیل برای ایزنمان در
 ماه اکتبر.

۱۹۹۰

▪ انتشار «نامه‌های هلاخایی جدید و خاستگاه فرقه بحرالمیت» (The New Halakhic Letter & the Origins of the Dead Sea Sect) توسط شیفمان که ریشه و خاستگاه اسنی‌ها را فرقه
 تفرقه‌جوی صدوقی معرفی می‌کند. این فرقه زمانی که رهبر صدوقیان حکمرانی
 هسمونیان را پذیرفت، از اورشلیم دوری گزیدند؛

▪ انتشار مقاله استراگنل در روزنامه اسرائیلی هآآرتص در ۹ نوامبر؛

▪ ایزنمان تصویر ۱۷۰۰ طومار را به مایکل وایز (Michael Wise)، متخصص

طومارشناس در دانشگاه شیکاگو نشان داد، و او فوراً شروع به ترجمه آنها نمود؛

▪ گماردن استراگنل به سرپرستی گروه مطالعه طومارها از جانب امانوئل تاو

(Emanuel Tov) در ۳۰ دسامبر.

۱۹۹۱

▪ رد درخواست واپچولدر برای داشتن تصاویر بیشتری از طومارها.

طومارهای بحرالْمیت: تاریخچه و منتخبی از نظریات / ۱۳۷

▪ استفاده از فهرست منتشر نشده استراگنل توسط مارتین ابگ (Martin Abegg)، دستیار واچولدر جهت ترجمه دوباره طومارها از متون اصلی؛

▪ آغاز کار گولب و وایز در مؤسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو به منظور رمزگشایی از طومارهای غار شماره ۴؛

▪ اعلامیه دانشگاه آکسفورد مبنی بر تهیه مجموعه کاملی از تصاویر طومارها و تشکیل همایش قمران تحت مدیریت ورمز در ماه ژوئن؛

▪ اعلام انتشار ترجمه کامپیوتری طومارها توسط واچولدر و ابگ با استفاده از فهرست منتشر نشده استراگنل از سوی هرشل در ماه سپتامبر؛

▪ صدور مجوز دانشگاه هانتینگتن برای تمامی دانشمندان دارای صلاحیت برای دسترسی به مایکروفیلیم بچتل در ۲۲ سپتامبر؛

▪ اعلامیه صدور مجوز اداره اشیای باستانی اسرائیل در ۲۲ اکتبر برای دسترسی به تصاویر اصلی طومارها برای دانشمندانی که متعهد شوند، یافته‌های خود را منتشر نکنند؛

▪ انتشار تصاویر طومارهای بحرالْمیت که توسط ایزنمان ویرایش و به وسیله جیمز رابینسون (James M. Robinson) دوباره تصحیح شده بودند در ماه نوامبر؛

▪ برگزاری همایش سالانه جمعیت ادبی کتاب مقدس (Society of Biblical Literature) در کانزاس سیتی در ۲۵ نوامبر و اعلام پایان هرگونه ممنوعیت برای مطالعه طومارها از سوی تاو، مدیر گروه تحقیق طومارها به طوری که هر دانشمندی بتواند به تصاویر طومارها دسترسی داشته باشد و نتایج مطالعات خود را منتشر نماید.

۱۹۹۲

▪ باربارا تیرینگ (Barbara Thiering) از دانشگاه سیدنی در مقاله «عیسی و راز طومارهای بحرالْمیت» (Jesus & the Riddle of the Dead Sea Scrolls) مطرح نمود که طومارها

حاصل رقابت میان یوحنا ی معمدان (معلم پرهیزگاری) و عیسی (مرد دروغگو) است؛

▪ انتشار مقاله «طومارهای کشف نشده بحرالْمیت» (The Dead Sea Scrolls Uncovered) توسط ایزنمان و وایز که شامل رونوشت و ترجمه پنجاه تکه طومار بود.

۱۹۹۳

▪ افتتاح نمایشگاه طومارهای بحرالْمیت در کتابخانه کنگره (Library of Congress) توسط

بنیان‌گذار پروژه جودایکا.

۱۹۹۴

▪ انتشار طومار اعمال شریعت (4QMMT) توسط استراگنل و ادعای اینکه توسط معلم پرهیزگاری نوشته شده است؛

▪ ارائه نظریه جدید شیفمان درباره طومارهای بحرالمیت مبنی بر اینکه فرقه قمران گروهی از صدوقیان تندرو بودند؛ اما همانند گولب بر این مطلب تکیه داشت که بسیاری از طومارهای بحرالمیت گلچینی از منابعی هستند که در قمران تألیف نشده‌اند.
▪ اعلام کشف چهار غار در نزدیکی غار ۴ از جانب هنان اشل (Hanan Eshel) باستان‌شناس اسرائیلی؛

▪ گزارش بروس سوکرمان (Bruce Zuckerman) از عکس‌برداری با نور مادون قرمز و تهیه تصاویر دیجیتالی جهت بازسازی نسخ خطی و رفع نقاط ابهام در آنها و استفاده از تکنولوژی برای بازسازی متون طومارهای پوسیده.

۱۹۹۶

▪ تأیید نظریه نب در تعیین تکه‌های یونانی طومارها از غار شماره ۷ به‌عنوان بخش‌هایی از خنوخ اول.

۱۹۹۷

▪ استفاده ارنست مور از اسکن کامپیوتری برای بازسازی تکه‌های طومار غار ۷ و تأیید نظریه نب در تعیین آن به‌عنوان خنوخ اول.

۱۹۹۸

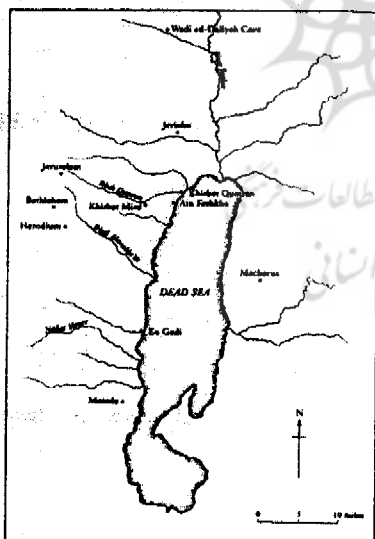
▪ ارائه نظریه‌ای جدید که طومارهایی در قمران کشف شده بودند را از آثاری که از مناطق دیگر به دست آمده بودند، تفکیک می‌کرد.

▪ گابریل بوکاجینی (Gabriele Boccaccini) حتی فراتر از نظریه فرقه اسنی‌ها رفت و قمران را نه تنها مرکز اسنی‌ها ندانسته؛ بلکه آنجا را گریزگاهی برای شاخه افراطی گروه اصلی اسنی‌ها، خنوخی معرفی کرد.

۲۰۰۰

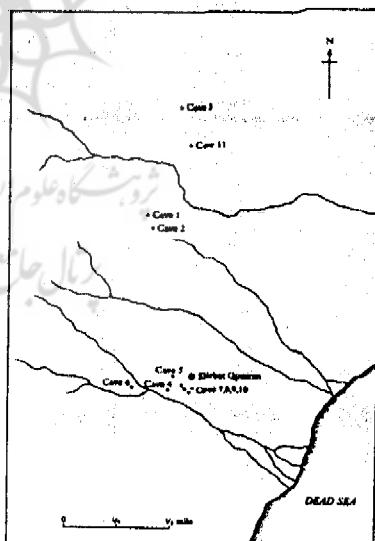
▪ استیو ماسن (Steve Mason) مطرح می‌کند که تعیین اسنی‌ها به‌عنوان نویسندگان طومارها رسمیت ندارد؛ زیرا تعاریف یوسفوس (مورخ یهودی‌باستان) را تحریف می‌کند.

فهرست فوق به‌وضوح اهمیت و ارزش طومارها را در مطالعه تاریخ مسیحیت و یهودیت نشان می‌دهد. در طول سالیان طولانی تفحص و تحقیق بر روی طومارها، نظریه‌های گونه‌گونی دربارهٔ اینکه این طومارها متعلق به چه زمان و چه فرقه‌ای بوده‌اند ارائه شده است؛ ولی هنوز مباحثات و مطالعات بر روی آنها ادامه دارد و معماهای بسیاری حل نشده باقی مانده‌اند؛ به طوری که نمی‌توان با قطعیت دربارهٔ خاستگاه طومارها سخن گفت. طومارهای مکشوف باورها و عملکردهای فرقه و ساختار جامعه‌ای را منعکس می‌کنند که به آن تعلق داشته‌اند. در این جامعه با قوانین و احکام شرعی‌ای روبه‌رو می‌شویم که منحصر به این فرقه بوده است، فرقه‌ای از جامعهٔ یهودیان که در دورهٔ معبد دوم روشی سخت و جدی برای زندگی انتخاب کرده بودند و به دیدگاه دینی اصول‌گرایانه‌ای اعتقاد داشتند که در نوع خود عجیب بود. اگرچه ظاهراً این اجتماع در مکان‌های مختلفی زندگی می‌کردند، اما به دلیل اینکه منبع اصلی اطلاعات دربارهٔ آنها از کشفیات خرابه‌های قمران در نزدیکی ساحل شمال غربی بحرالمیت به دست آمده است، آنان را «فرقهٔ قمران» خوانده‌اند. معرفی و بررسی اعتقادات و شیوهٔ زندگی آنان نیازمند مقاله‌ای جداگانه است.



The Dead Sea and surrounding area

نقشه (۲)



Khirbat Qumran and Caves 1-11

نقشه (۱)

کتاب نامه

- Baigent, Michael & Leigh Richard (1997), *The Dead Sea Scrolls Deception*, Great Britain: CoRG Books Publ.
- Black, Matthew (1969), *The Scrolls and Christianity*, London: S.P.C.K.
- Burrows, Millar (1951), *The Dead Sea scrolls*, American School of Oriental Research.
- Campebell, Johnathan (1998), *Dead Sea Scrolls, the Complete Story*, Ulysses Press Berke.
- Collin, John Josef (1997), *Seers, Sibyls and sages in Hellenistic-Roman Judaism*, Leiden: The Netherlands.
- Graystone, Geoffrey (1956), *The Dead Sea Scrolls and the originality of Christ*, New York: Sheed & ward.
- Jull, A. J. T. and others (1995), "Radiocarbon Dating of scrolls and Linen Fragments from the Judean Desert", *Radiocarbon* 37.
- Licht, Jacob & Feredrick Fyvie Bruce (1971), "Dead Sea Scrolls", in: *The Encyclopedia Judaica*, vol. 5.
- Moore Cross Jr., Frank (1958), *The Ancient Library of Qumran and Modern Biblical Studies*, Doubleday, Garden City.
- Rowley, H. H. (1964), *The Dead Sea Scrolls and The New Testament*, London: S.P.C.K.
- Schiffman, Lawrence H. (2005), "Dead Sea Scrolls", in: *The Encyclopedia of Religion*, Mirca Eliade (ed.) second edition, MacMillan Publ, vol. 4.
- Sommer, A. Dupont (1952), *The Dead Sea Scrolls*, tr. E. Margaret Rowley, Basil Blackwell Publ.
- Vermes, Geza (1965), *The Dead Sea Scrolls in English*, Penguin Books Ltd.